

دخالت ساواک در امور فرهنگی

۳ تیر ۱۴۰۱ ساعت ۲۲:۲۲

سند زیر نامه ای است که نشان میدهد ساواک با ایجاد رعب و وحشت نویسندگان را مجبور به جمع آوری کتاب هایش که به صورت قانونی منتشر شده اند، می کند.

سند زیر روایت دخالت نهادهای امنیتی در امور فرهنگی است. ساواک برای اهل قلم تعیین تکلیف میکند. سند زیر نامه ای است که نشان میدهد ساواک با ایجاد رعب و وحشت نویسندگان را مجبور به جمع آوری کتاب هایش که به صورت قانونی منتشر شده اند، می کند.

ریاست محترم اداره سازمان امنیت و اطلاعات بروجرد

محترما اینجانب ایرج سلیمانی در مورخه ۲۵ الی ۲۸ اردیبهشت ماه قصه‌ای تحت عنوان گربه زرده به فرهنگ و هنر بروجرد دادم تا در مورد چاپ آن اقدام نمایند. طی جواز شماره ۳۷۴۲۳/۲/۳۰ به من ابلاغ کردند که چاپ آن بلامانع است. منم قصه مذکور را به زیر چاپ برده، و تعداد هزار جلد از آن را چاپ نمودم ناگفته نماند که هزار جلد کتاب تکمیل از زیر چاپ در نیامد و تعدادی کسری داشت بعد پنج الی شش روز که از چاپ کتاب گذشته بود و من تعدادی از آنها را به کتابفروشی‌ها و دوستانم داده بودم وقتی برای گرفتن بقیه کتابها به

چاپخانه مراجعه کردم گفتند که آقای عیدی رئیس فرهنگ و هنر کتابها را جمع کرده و با شما کار دارد. منم فوراً به فرهنگ و هنر رفته و جریان را جويا شدم ایشان ضمن این که با من خیلی غیراصولی رفتار کرد و تهدیدهایی از قبیل اینکه تمام ساواک لرستان در تعقیب توست یا اینکه اگر ساواک شما را پیدا کند ده ناخن را می‌کشد و خیلی صحبت‌های دیگر که در ضمن سعی می‌کرد بقول معروف توی دلم را خالی کند و مرا بترساند به من گفت فوراً تمام کتابها را جمع کن و به فرهنگ و هنر بفرست. من اظهار داشتم که علت چیست و ضمناً من امشب تصمیم داشته‌ام به شمال بروم ایشان اظهار داشتند که جواز شما، شماره‌اش اشتباه بوده و اگر هم بخواهی از لرستان خارج شوی ساواک ترا گیر می‌آورد و آنوقت آنجور که شایسته است با تو رفتار می‌کند. منم بخاطر اینکه از خود سلب مسئولیت کنم حرف ایشان را قبول کردم و بلیط ماشین را که گرفته بودم به دامادمان دادم تا با مادرم که قرار بود من او را ببرم برود. بعد از رفتن ایشان من به جمع‌آوری کتابها پرداختم ولی چون تعدادی از آنها فروش رفته بود یا کسانی آنها را برده بودند که دسترس نبود طی نامه‌ای به اداره فرهنگ و هنر اعلام کردم که نتوانسته‌ام

۳۵ جلد آنرا جمع کنم و مسئولیت به عهده من
 نیست. چون تصمیم داشتم به شمال بروم روز بعد
 پنج شنبه ۳۷/۴/۱ به آقای عیدی تلفن زدم که
 تکلیف من چیست ایشان گفتند یا کتابها را جمع کن
 یا تو را همانطور که ساواک و استانداری نوشته‌اند
 تحت تعقیب قرار داده و چنانچه سرسختی کنی
 ساواک با شما با بطری [رفتار] می‌کند و من هم لازم
 دانستم قبل از این که ساواک به سراغ من بیاید من
 خود به ساواک بیایم تا از جریان امر باطلاع شوم.^۱

آدرس - اشداد (اشتریان)

با تقدیم احترامات ایرج سلیمانی

۳۷/۴/۳

کوچه سلیمانی - ایرج سلیمانی

برادرم ولی‌محمد نظر دارم که آنرا در دفتر منتهی به خود بگذارد. خودم که ساواک
 نزد علی‌اکبر و احمد و حسن و امیرالاکرم هم خواننده‌ام و خودم که در آنجا هم می‌روم
 مثلثت هم می‌نویسد. من تصمیم داشتم به شمال بروم بعد از این وقت ۱۳۴۴
 به آنجا می‌روم و آنجا می‌نویسد که آنجا می‌روم و آنجا می‌نویسد که آنجا می‌روم
 و آنجا می‌نویسد که آنجا می‌روم و آنجا می‌نویسد که آنجا می‌روم
 و آنجا می‌نویسد که آنجا می‌روم و آنجا می‌نویسد که آنجا می‌روم

آدرس - اشداد (اشتریان)
 کوچه سلیمانی - ایرج سلیمانی
 ۱۳۴۴

مرکز بررسی اسناد تاریخی

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۴۸۷۷۵/فرهنگی-امور-ساواک-دخالت/>